

بہ نام خدا |

سرشناسه: استیس، والتر ترنس، ۱۸۸۶ - ۱۹۶۷ م. Stace, Walter Terence.
عنوان و نام پدیدآور: انسان بر ضد ظلمت: برگزیده‌ای از مقاله‌ها/ والتر ترنس استیس؛ ترجمه عبدالحسین آذرنگ.
مشخصات نشر: تهران: هرمس، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری: ۱۷۰ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۵۶-۳۵۸-۱-۱
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
یادداشت: عنوان اصلی: Man against darkness, and other essays.
یادداشت: این کتاب ترجمه ۱۰ مقاله از ۱۶ مقاله کتاب «انسان بر ضد ظلمت...» است.
عنوان دیگر: برگزیده‌ای از مقاله‌های استیس.
موضوع: فلسفه Philosophy
شناسه افزوده: آذرنگ، عبدالحسین، ۱۳۲۵ - ، مترجم
رده‌بندی کنگره: B۹۴۵
رده‌بندی دیویی: ۱۰۰
شماره کتابشناسی ملی: ۹۴۶۵۵۴۰
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا

والتر ترنس استیس

انسان برضد ظلمت

برگزیده‌ای از مقاله‌ها

عبدالحسین آذنگ



این کتاب ترجمه‌ای است از:

Man Against Darkness

Walter Terence Stace

انسان بر ضد ظلمت

والتر ترنس استیس

ترجمه عبدالحسین آذرنگ

طراح جلد: حبیب ایلون

چاپ دوم: ۱۴۰۲

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

چاپ: رسام

همه حقوق محفوظ است.

تهران، خیابان ولی عصر، بالاتراز میدان ونک، شماره ۲۴۹۳

تلفن: ۸۸۷۹۵۶۷۴



فهرست

- یادداشت ویراست دوم ترجمه ۱
یادداشت ویراست نخست ترجمه ۳

پارهٔ یکم: دربارهٔ علم و فلسفه

- امتیازطلبی اهل علم، مردم‌پسندی نویسنده ۱۱
علم و تبیین ۲۳
تبیین در علم و در فلسفه ۴۳
علم و جهان خارج ۴۹
جایگاه فلسفه در فرهنگ انسانی ۵۷

پارهٔ دوم: دربارهٔ ارزش‌ها

- شناخت ارزش‌ها ۷۹
خرد و حکومت ۹۹
ارزش‌های دمکراتیک (مردم‌سالار) ۹۹
فلسفهٔ مادی‌گرایانهٔ ما امریکاییان ۱۱۹

پارهٔ سوم: دربارهٔ اخلاق

- علم و اخلاق ۱۴۳
مبنای اخلاق ملت‌ها ۱۵۹

یادداشت ویراست دوم ترجمه

از انتشار ویراست نخست ترجمه این کتاب بیش از دو دهه می‌گذرد. در خلال این مدت آثار فلسفی بسیاری به فارسی ترجمه و منتشر شده است و اکنون خوانندگان نوشته‌های فلسفی با مجموعه‌ای به نسبت غنی در حوزه اندیشه‌های فلسفی روبه‌رو هستند. جا دارد دیدگاه استیسی هم در این حوزه از نظرها پنهان نماند؛ به‌ویژه با تأکیدی که او بر مفهوم بودن بیان فلسفی دارد و این تأکیدش را با صریح‌ترین زبان در سرآغاز همین کتاب می‌بینید. چون شماری از نویسندگان و مترجمان مطالب فلسفی مراعات خوانندگان این گونه مطالب را نمی‌کنند، تأکید استیسی شاید بتواند هشداردهنده و اثرگذار باشد.

تغییری در شیوه اداره انتشارات هرمس سبب شد که بسیاری از کتاب‌های این ناشر، از جمله این کتاب، و به رغم تقاضا برای آن‌ها، در بازار موجود نباشد. امیدوارم مدیریت جدید این ناشر آن قصور و تقصیر را جبران کند. در ضمن، مدیریت جدید رسم‌الخط مختار خود را در انتشاراتش اعمال می‌کند، از جمله واژه «است» که پس از واژه‌های مختوم به «الف» به همین صورت می‌آید، مانند «پیدا است»، نه به صورت «پیداست» که در نوشته‌های ما معمول بود. مترجم این کتاب اگرچه با شیوه خط مختار ناشر موافق نیست، اما چون به قرارداد با ناشر پای‌بند است، در آن شیوه مداخله نکرده است. در هر حال، امیدوارم نسخه‌های این ویراست ترجمه به دست خواستاران آن برسد.

عبدالحسین آذرنگ

زمستان ۱۴۰۲

یادداشت ویراست نخست ترجمه

خوانندگان فارسی‌زبان اکنون، پس از انتشار چند اثر از والتر ترنس استیس^۱، فیلسوف امریکایی انگلیسی‌تبار، با نام و اندیشه‌های او ناآشنا نیستند. استیس در ۱۷ نوامبر ۱۸۸۶، برابر با ماه صفر ۱۳۰۴ ه. ق، تقریباً بیست سال پیش از انقلاب مشروطه ایران، در لندن به دنیا آمد. پدر و برادرش نظامی بودند و در ارتش انگلستان خدمت می‌کردند. پدر بزرگش ژنرال ویلیام استیس، در نبرد واترلو جنگیده بود و همین سنت خانوادگی سبب شد که استیس از جوانی به خدمت نظامی روی بیاورد و سرنوشت، که از قضا مسیر زندگی وی را تغییر داد، او را به خدمت در اداره مستعمرات و سیلان و جنوب شرقی آسیا بکشاند و بیست و دو سال از عمر او را در خدمت هدف‌هایی صرف کند که از جهاتی شاید هیچ مطلوب وی نبود.

استیس تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در سده نوزدهم به پایان برد و از اوایل سده بیستم برای تحصیل در دانشگاه به ادینبورگ، یکی از مهم‌ترین شهرهای فرهنگی انگلستان، رفت و سپس راهی ایرلند شد و تحصیل در فلسفه را رشته اصلی خود در دانشگاه دابلین قرار داد و از آنجا فارغ‌التحصیل شد. در ۱۹۱۰ به سیلان رفت و تا ۱۹۳۲ در سمت‌های مختلف خدمت کرد. چند سالی هم شهردار و رئیس شورای شهر کلمبو بود، اما میل عمیق به معرفت هیچ‌گاه نمی‌گذاشت که قدرت و مقام دنیوی جای مرتبت معنوی را در زندگی او بگیرد. اقامت طولانی در این بخش

1. Walter Terence Stace

از جهان، در عین حال به او مجال داد که با برخی از اندیشه‌ها و مذهب‌های شرقی، به ویژه آیین بودا، به خوبی آشنا شود. از میان پانزده اثر فلسفی که تألیف کرده است، دو کتاب او دربارهٔ مسائل مابعدالطبیعی و از اندیشه‌ها و مذهب‌های شرقی کاملاً متأثر است. عرفان و فلسفه‌اش ثمرهٔ تلاش فکری فیلسوفی است که می‌خواهد میان تجربه‌گرایی انگلیسی و عرفان شرقی پلی بزند و خردباور غربی را به تجربه‌هایی معنوی، که خود او از نزدیک حس و لمس کرده است، متقاعد سازد. تأمل در احوال عارفان و تفکر در مکتب‌های عرفانی، او را سرانجام به این نتیجه رسانیده بود که تجربه‌های عرفانی، انکارپذیر نیست و در همهٔ فرهنگ‌های بشری می‌توان این تجربه‌ها را، البته به گونه‌های متفاوت، یافت. شاید بر اثر همین آشنایی و الفت با عرفان بود که در مسئولیت‌های سیاسی - نظامی که بر عهده گرفت، با مردم سیلان به نرمش و نیکی رفتار کرد. در یکی از مأموریت‌هایش وظیفه داشت شورشی را که بر اثر کش‌مکش میان بوداییان و مسلمانان برانگیخته شده بود، سرکوب کند، اما از شلیک کردن به سوی مردم بی‌دفاع امتناع ورزید و این سرپیچی از دستور در آن زمان، و با توجه به مقامی که داشت، جنجال برانگیز بود.

در ۱۹۳۲، در چهل‌وشش‌سالگی، از خدمت در حکومت محلی سیلان بازنشسته شد و تصمیم گرفت آن کشور را ترک کند. مشخصات آثار و تحقیقات و مطالعاتش را برای چند دانشگاه فرستاد و دانشگاه پرینستون امریکا او را برای تدریس به مدت سه سال دعوت کرد. استیس همان سال به امریکا مهاجرت کرد و تا ۱۹۵۵، که در هفتادسالگی تدریس فلسفه را ترک گفت، استاد کرسی استوارت^۱ بود.

در ۱۹۱۰ ازدواج کرد و در ۱۹۲۴ از همسرش جدا شد و سال بعد برای بار دوم ازدواج کرد. از دو ازدواج صاحب دو دختر و یک پسر شد، اما پسرش را از دست داد، غمی بزرگ که تا پایان عمر به همراه او بود. در ۱۹۴۱ یکی از جایزه‌های معروف فرهنگی امریکا به او تعلق گرفت. این جایزه را به این عنوان به او دادند که استاد فلسفهٔ دانشگاه‌های امریکا، بهترین کتاب غیرداستانی را برای خوانندهٔ عمومی نوشته است؛ جایزه‌ای بجا و درخور.

استیس نویسنده‌ای است با ذوق سلیم و چیره‌دست. در همه نوشته‌هایش سعی تمام کرده تا پیچیده‌ترین مفاهیم و مسائل فلسفی را با روشن‌ترین و ساده‌ترین زبان ممکن، اما با مراعات کامل دقایق فلسفی، و با انشایی به‌غایت فصیح و بلیغ بیان کند. استیس در ساده‌نویسی تعمد داشت، از غامض‌نویسی بیزار بود و سنت‌های دشوارنویسی را در فلسفه نکوهش می‌کرد. مقاله اول همین مجموعه به‌خوبی نشان می‌دهد که از فضل‌نمایی، دشوارگویی و مراعات نکردن جانب خواننده، به‌ویژه به بهانه فلسفه، تا چه حد بیزار است. همین مقاله او بیانیه صریح بر ضد کسانی است که مردم را به نام تفکر خوار می‌دارند و مغلق‌گویی را وسیله‌ای برای فخر فروختن و کسب کردن امتیازهای اجتماعی قرار می‌دهند. بسیاری از فیلسوفان شیوه او را در نگارش مطالب فلسفی دوست نمی‌داشتند و آن را دور شدن از دقت‌های فکری می‌دانستند. با این حال، اعتباری که در جامعه آمریکا کسب کرد به درجه‌ای رسید که در ۱۹۴۹، هفده سال پس از اینکه به آن کشور پای نهاده بود، به ریاست انجمن فلسفه آمریکا برگزیده شد. ده سال بعد، در ۱۹۵۹، از سوی شورای مجامع علمی آمریکا عنوان یکی از ده دانشمند ممتاز آمریکایی به او داده شد و جایزه معروف دیگری هم به او تعلق گرفت. استیس مردی بود بلندبالا، تنومند و مانند بسیاری از مردان نامدار دیگر، خجول. او در ۲ اوت ۱۹۶۷، برابر با ۱۱ مرداد ۱۳۴۶ درگذشت. درباره نوشته‌ها و نگرش فلسفی استیس، در مقدمه کتاب‌هایی که از او به فارسی ترجمه شده است، از جمله چاپ اول همین کتاب (گزیده‌ای از مقالات استیس، سازمان چاپ و انتشارات، تهران، ۱۳۷۱) نکاتی آمده است که از تکرار آن‌ها در اینجا خودداری می‌شود. شاید تنها یادآوری این نکته ضروری باشد که شهرت استیس از نظر منتقدان و تاریخ‌نگاران فلسفه، بیشتر به لحاظ ترویج اندیشه‌های فلسفی در میان مردم غیرمتخصص، مشرب اعتدالی و به دور از افراط و تفریط او و تلاش وی در راه واقع‌بینی و آزاداندیشی و آزادفکری است.

استیس با احاطه به فلسفه غرب و نحله‌هایی از تفکر و عرفان شرق، و تسلط چشمگیری که در بیان مقصود داشت، به جای ترویج اندیشه فلسفی در میان مردم و سخن گفتن با مردم غیرفلسفی در باب مسائل فلسفی، می‌توانست هم

خود را صرف تصنیف آثاری کند که در جامعه ارزش گذار، به عنوان فیلسوف مقام ممتازی در فلسفه برای او کسب کند. استیسی به این سو نرفت و این از ناتوانی او نبود، بلکه از اشتیاقی بود که لهیب آن در همه آثار به جای مانده از وی زبانه کشیده است. استیسی به حذف فاصله میان جامعه و عرصه تفکر قائل است، نه به تشدید فاصله. تنها در جامعه ما نیست که شماری از اهل فلسفه هرگونه ساده‌نویسی و سخن گفتن با مردم را دور شدن از تفکر و ساحت فلسفه می‌دانند، در جوامع غرب هم شمار پیروان این عقیده بسیار است. جمله‌های فراوان و گزنده‌ای که استیسی در تقبیح این دسته به کار برده است، بهتر از هر قرینه دیگری عمق نگرانی او را از دور شدن مردم و فیلسوفان از هم نشان می‌دهد. همه آثار او، به ویژه اثر زیبا، روان و خواندنی‌اش در تشریح فلسفه دیرآشنا و دشوارفهمی چون فلسفه هگل، گواه زحمت جانکاه او در راه ایجاد پل تفاهم میان متفکران و مردم است. در حقیقت استیسی در شمار اندیش‌مندان است که به دگرگونی عقیده دارند و دگرگونی را برای تداوم و غنای زندگی بشر ضروری می‌دانند، اما دگرگونی به اختیار، به میل و رغبت و در پرتو تفکر و تعالی و توسعه ذهن بشر. استیسی تا بدان جا پیش رفته که گفته است شأن والای نظریه‌های علمی کوپرنیک و گالیله و نیوتن و مانند آن‌ها نه در ارزش نظری محض‌شان، و نه حتی در کاربرد عملی‌شان، بلکه در تأثیر و تغییری است که در اندیشه آدمی ایجاد کرده است. او به صراحت می‌گوید آنچه بشریت بدان می‌اندیشد و اعتقاد دارد مهم است، و این سخن صریح قطعاً خوشایند کسانی نیست که اصالت تفکر را، قطع نظر از اینکه مردم اندیشه‌ای را دریابند یا نه، بن‌مایه اصلی مباحث فلسفی می‌دانند.

گمان می‌کنم انتشار دوباره این کتاب پس از گذشت چند سال و در اوضاع و احوالی دیگر، احتمالاً خوانندگان دیگری خواهد داشت، خوانندگانی که در سایه تحولات سیاسی-اجتماعی کشور به بیشتر خواندن، بهتر اندیشیدن و به کلنجار رفتن با مفاهیم دشوارتر روی آورده‌اند. معمولاً در دوره‌های تحول، نگاه و نظر فیلسوفانه، یا همراه با عمق و تفکر به امور، حتی در امور عادی زندگی و رویدادهای جاری، با اقبال بیشتری روبه‌رو می‌شود، زیرا که خصلت تحول دگراندیشی،

بازاندیشی و فراندیشی است و تحول بیش از هر چیز به اندیشه‌های گوناگون و نگاه و نظرهای متفاوت نیازمند است.

این کتاب، مجموعه‌ده مقاله است که از میان شانزده مقاله استیسیس از اثری به نام انسان بر ضد ظلمت برگزیده و به فارسی ترجمه شده است. شش مقاله دیگر که ترجمه نشده عمدتاً درباره‌ی مضمون‌هایی است که در کتاب‌های دیگر او، و گاه با بسط و تفصیل بیشتر، آمده است. امیدوارم انتشار این مجموعه، همراه با تجدیدنظرهایی که در آن اعمال شده است، به ارتقای سطح بحث‌های آزاد فکری در کشورمان و ژرف‌اندیشی بیشتر در مسائل کمک کند.

عبدالحسین آذرنگ

تهران، باغ صبا

بهار ۱۳۷۹

پارهٔ یکم

دربارهٔ علم و فلسفه